



| | |
|-------------------------|--------------------------|
| تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴ | تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۹ |
|-------------------------|--------------------------|

الاهیات فرهنگی و صلح پژوهی دینی:

بازخوانی مبانی تئوریک دیدگاه‌های مرتبط با مسایل صلح پژوهی دینی

سید محمود نجاتی حسینی (خراسانی)^۱

چکیده

وجود پتانسیل‌های فرهنگی و معنوی دین برای ایجاد جهانی عاری از خشونت که می‌تواند منجر به فراهم ساختن زیست‌گاهی انسانی مملو از ایده‌های تفاهمی و رویه‌های مسالمت‌آمیز شود، برای بحث موضوعی است سهل، ممتنع و متناقض‌نما (پارادوکسیکال) است. بحث از این مقوله سهل است، به این خاطر که فلسفه دین و گوهر ایمانی اعتقادی آن که بر نجات و سعادت انسان و اخلاق‌مداری و انسان‌دوستی استوار است موکد بر صلح‌گرایی است. اما ممتنع است، زیرا فرهنگ دینی و رویه‌های دین‌ورزان و ایده‌های متولیان رسمی دین و کردارهای اجتماعات دینی در مواردی متمرکز بر جنگ‌گرایی‌اند. اما پارادوکسیکال است، به این سبب که ادیان ابراهیمی نوعی "اصل جنگ عادلانه" را نیز ذیل عنوان "جهاد مقدس" تشریح، توجیه و توصیه می‌کنند.

اینها واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی و الاهیاتی هستند که مساله دیدگاه‌های مبنایی

nejati.hosseini@gmail.com

۱ دین پژوه - مدیر گروه دین انجمن انسان شناسی ایران



که پشتوانه این تزه‌های متناقض در الاهیات ادیان ابراهیمی هستند را طرح می‌کند. همچنین این که در نزاع میان حقیقت فلسفی دین و واقعیت فرهنگی دین، الاهیات صلح انسانی مطرح است یا الاهیات جنگ عادلانه، خود مسأله‌ای است قابل تامل برای تبیین ماهیت صلح پژوهی دینی با تاکید بر الاهیات ابراهیمی.

اما ایده اصلی مقاله حاضر این است که بن‌مایه الاهیاتی تزه‌های مرتبط با "جنگ دینی" یا "صلح دینی" از طریق ارجاع به منظرهای "انحصارگرایی دینی" (این که تنها یک دین بر حق است و می‌تواند راه رستگاری باشد)، "شمول‌گرایی دینی" (این که ادیان دیگر نیز نسبتاً حظی از برحق بودن دارند و می‌توانند راه نجات و رستگاری را نشان دهند) و "کثرت‌گرایی دینی" (این که همه ادیان بالسویه بر حق‌اند و می‌توانند راه نجات و رستگاری را به شیوه خاص خود نشان دهند) امکان پذیرند.

به همین منوال مفروض شالوده‌ای مقاله نیز، در نسبت با این ایده، این است که از این لحاظ و با تاکید بر "الاهیات فرهنگی" (الاهیاتی که نقطه تمرکز آن بر کثرت‌گرایی فرهنگی، چندفرهنگ‌گرایی و تقویت امر بینا فرهنگی دینی است) می‌توان گفت که "کثرت‌گرایی دینی" زمینه فرهنگی اجتماعی مساعد برای تقویت و توسعه "صلح دینی" (ایجاد صلح و کمک به صلح از طریق آموزه‌های ادیان و عملکردهای اجتماعات و سازمان‌های و نهادهای دینی و رویه‌های دین‌داران) است.

اما این مقاله با وجود تاکید بر اهمیت این نوع مسایل واقعی ذکر شده که مرتبط با صلح دینی و جنگ دینی‌اند، صرفاً بر بازخوانی مبانی تئوریک مندرج در دیدگاه‌های الاهیات فرهنگی صلح دینی متمرکز است، چون معتقد است برای فهم هر گونه صلح دینی از منظر دین پژوهی لازم است از نو نگاهی دیگر به الاهیات صلح در پرتوی مسایل جدید داشت.

کلیدواژه: الاهیات فرهنگی، الاهیات صلح، الاهیات جنگ عادلانه، صلح دینی،

فرهنگ صلح، صلح پژوهی



درآمد

بحث از پتانسیل‌های فرهنگی معنوی دین برای ایجاد جهانی عاری از خشونت و فراهم ساختن زیست‌گاهی انسانی مملو از ایده‌های تفاهمی و رویه‌های مسالمت‌آمیز به جد موضع مورد بحث و مساله این نوشتار نیز هست. به این خاطر که فلسفه دین و گوهر ایمانی اعتقادی آن بر نجات و سعادت انسان و اخلاق‌مداری و انسان‌دوستی استوار است، امری که در "ادیان ابراهیمی، که موضع فرهنگی محوری این نوشتار نیز هست، پتانسیلی است بالقوه و اصطلاحاً "صلحدژوره" و متنیتی صلح‌ابرازی در متن است، و لذا آن چه در متن‌های مقدس دینی به صورت تئوریک و توصیه‌ای مندرج شده است، موکد بر صلح‌گرایی ادیان ابراهیمی است.

اما درعین حال فرهنگ دینی و رویه‌های دین‌ورزان و ایده‌های متولیان رسمی دین، رهبران دینی سازمان‌یافته دارای سلسله مراتب هیروکراتیک و مقدس، و به همچنین پراکسیس‌های اجتماعات دینی و جمعیت‌های دین‌دار در مواردی نه چندان کم شمار، به صورتی "دفاکتو" یعنی در عمل متمرکز بر نزاع‌گرایی‌اند. خواه نزاع‌گرایی بین ادیان و خواه بین متولیان رسمی دین و خواه بین دین‌داران متعارف. نیازی به ذکر نیست که نمونه‌های فرهنگی مانند: "اسلام‌هراسی - اسلام‌ستیزی" در غرب مسیحی و شرق یهودی و از طرفی "بربریت خشن دین‌نمای" گروه‌های "اسلام‌گرای" سلفی تکفیری و تروریستی مانند وهابیزم و القاعده و طالبانیزم و داعشیزم و بوکوحرام و الشباب در قلب جهان اسلام؛ چگونه هر گونه ادعای صلح‌گرایی دینی را نقض و نفی کرده‌اند. و اما وضعیت پارادوکسیکال این است، که ادیان ابراهیمی بالاتفاق و بیش و کم، از منظر الاهیات رسمی ابراهیمی نوعی "اصل جنگ عادلانه" را هم تشریح و توجیه و توصیه می‌کنند و پیشروی اجتماعات دینی و جمعیت‌های دین‌ورز متعارف و سازمان‌های متولیان رسمی دین این ادعا قرار می‌گیرد که آنها باید برای تثبیت صلح به جنگند!؟.



همچنین نیازی به تفصیل این داده‌های تاریخی هم نیست که یک نمونه تاریخی مهم از پیاده‌سازی "جنگ عادلانه" در سطح بین‌المللی و بینا دینی، "جنگ‌های صلیبی" دوپست ساله در سده‌های ۱۱ و ۱۲ میلادی میان مسیحیت و اسلام بر سر تصرف "بیت المقدس" سرزمین مقدس مشترک ادیان ابراهیمی بوده است؛ و نیز نمونه متاخر و معاصر آن هم در سده ۲۰ و ۲۱ میلادی نزاع ژئوپولیتیکی و ژئوکالچرالی در جهان اسلام میان فلسطین و اسرائیل بر سر "هارت لند مقدس" است.

اری، زین سبب درمیانه این دو سپهر از دین‌گرایی: حقیقت فلسفی دین یا واقعیت فرهنگی دین، مساله اصلی که مورد بحث ما است، شناخت نسبت فرهنگی الاهیات صلح انسانی و الهیات جنگ عادلانه از منظر الاهیات ادیان ابراهیمی است. تلاش ما این است برای پرسش از نسبت منطقی و فضای مفهومی "توصیه دینی به صلح انسانی یا توجیه دینی برای جنگ عادلانه" پاسخ‌هایی وافی به مقصود فراهم آوریم. اما رویه اصلی ما در این مقاله بازخوانی مبانی تئوریک دیدگاه‌های مرتبط با مسایل واقعی صلح دینی است که مبتنی بر "روش مقایسه‌ای" و "مطالعات اسنادی" با ارجاع به الاهیات دینی است. پر واضح است که مبنای تئوریک این نوشتار نیز می‌تواند بی‌اعتنا به الاهیات فرهنگی و انسان‌شناسی دین و صلح باشد^۱.

بخشی از منابع لاتین مورد استفاده در این مقاله - که برای فهم و شناخت بحث نسبت الاهیات های یهودی مسیحی و فرهنگ صلح و جنگ - سودمند بوده و مبنایی نیز هستند - به شرح زیرند:

RICHARD B. MILLER (1986) CHRISTIAN PACIFISM AND JUST-WAR: TENETS: HOW DO THEY DIVERGE? Theological Studies 47 ..

Arundhati Roy (2004) Peace & The New Corporate Liberation Theology, City of Sydney Peace Prize Lecture CPACS Occasional Paper No. 04/2 , Centre for Peace & Conflict Studies.

Godwin Oriyomi (2014) The Theology of Peace and War in Old Testament and Its Relevance to Solving the Dilemma of Insecurity in Nigeria, Adeboye, Biblical, Why so much war in the Old Testament? (www.biblica.com/en-us/bible/.com Accessed: July, 2014).

Gerard Hall SM (May 2007) Prophetic Dialogue as a Practical Theological Category, Australian eJournal of Theology 10, 1.

Christopher D. Marshall (2009) Religious Violence, Terrorism and the Christian Theology of Rec-



اما در عین حال از دو جهت مهم و موثر برای این بحث و این جستار - یعنی هم برای رعایت اختصار و ایجاز و اقتصاد بحث و هم از لحاظ رعایت اقتضائات واقعی‌تر و ملموس‌تر و نزدیک‌تر به شرایط اجتماعی و زیست فرهنگی به صواب نزدیک‌تر آن دیدیم که برای مستندسازی بحث‌های تئوریک مورد ادعا در این مقاله تمرکز را به الاهیات ابراهیمی معطوف کنیم.^۱ که هر چند از مقتضیات و شئونات

conciliation, Victoria University of Wellington, Anglican Pacifist Conference, St John's theological College, October 10, 2009

Kimberly Carter (2008) *Preaching Praxis, Producing Peace: The Role of Liberation Theology in Peace building*, Canadian Political Science Association.

J. Denny Weaver (Winter 2016) *A Jesus-Centered Peace Theology, or, Why and How Theology and Ethics are Two Sides of One Profession of Faith*, *The Conrad Grebel Review* 34, no. 1: 5-27.

ESTHER LUBUNGA KENGE (2015) *Towards a Theology of Peace-building in the Democratic Republic of Congo (DRC), the Contribution of Christian Women*, UNIVERSITY OF KWAZULU-NATAL PIETERMARITZBURG.

E. Tory Higgins, E. Tory Higgins, and Carol S. Dweck (2005) *Religion and World Change: Violence and Terrorism versus Peace*, *Journal of Social Issues*, Vol. 61, No. 4, pp. 761-784.

Theresa Der-Ian Yeh (2006) *THE WAY TO PEACE: A BUDDHIST PERSPECTIVE*, *International Journal of Peace Studies*, Volume 11, Number 1, Spring/Summer 2006.

John R. Hall (2001) *Religion and Violence: Social Processes in Comparative Perspective*, Chapter prepared for the *Handbook for the Sociology of Religion*, Michele Dillon, editor (forthcoming, Cambridge University Press) jrhall@ucdavis.edu.

MOHAMMED ABU-NIMER (2001) *Conflict Resolution, Culture, and Religion: Toward a Training Model of Interreligious Peacebuilding*, *International Peace and Conflict Resolution Program*, American University © 2001 *Journal of Peace Research*, vol. 38, no. 6, 2001, pp. 685-704, Sage Publications (London, Thousand Oaks, CA and New Delhi) [0022-3433(200111)38:6; 685-704; 019467].

ادر همین زمینه، علاوه بر منابع لاتین پیشین گفته، نگاه شود به :

Matthias Basedau & Johannes Vüllers (2010) *Religion and Armed Conflict in Sub-Saharan Africa, 1990 to 2008 - Results from a New Database*, Paper prepared for presentation at the SGIR 7th Pan-European Conference on IR, Stockholm, 9-11 September 2010.

Mary Elizabeth Moore (2010) *TEACHING RELIGION, CONFLICT, AND PEACE-BUILDING IN A*



زیست جهان فرهنگی و سپهر اجتماعی ما دورتر است، اما برای مقایسه با الهیات فرهنگی اسلامی شیعی، که مقتضیات و شئون آن به ما نزدیک تر و مرتبط تر است، سودمندند.

همه اینها واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی و الیهاتی هستند که مساله دیدگاه‌های مبنایی که پشتوانه این تزه‌های متناقض در الیهات ادیان ابراهیمی هستند را طرح می‌کند. همچنین این که در نزاع میان حقیقت فلسفی دین و واقعیت فرهنگی دین، الیهات صلح انسانی مطرح است یا الیهات جنگ عادلانه، خود مساله‌ای است قابل تامل برای تبیین ماهیت صلح پژوهی دینی با تاکید بر الیهات ابراهیمی.

اینها سه پرسش کلیدی هستند که در خصوص صلح پژوهی دینی در این مقاله قابل طرح‌اند: نسبت الیهات فرهنگی با صلح دینی چگونه محقق می‌شود؟ این نسبت چگونه برای صلح پژوهی دینی زمینه‌ساز تئوریک فراهم می‌آورد؟ با چه الگوهای تحلیلی می‌توان از الیهات ابراهیمی زمینه‌سازی تئوریک جهت صلح پژوهی دینی فراهم آورد؟

MULTI-FAITHWORLD:ANINTERRELIGIOUSCONSULTATIONONTHEOLOGICALEDUCATION,Boston University School of Theology.

Aid Smaji (2008) Psychology of Religion and Intercultural Dialogue and Tolerance, Objavljeni znanstveni prispevek Na konferenci (1.06) BV 68 (2008) 3,423-435UDK, 165.612:316.647.5.

Yvonne Margareta Wang (2011) How Can Religion Contribute to Peace in the Holy Land? A Study of Religious Peacemaking in Jerusalem, University of Oslo.

Kristian Berg Harpviken and Hanne Eggen Røislien (2005) Mapping the Terrain: The Role of Religion in Peace making State of the Art, Paper For the Norwegian Ministry of Foreign Affairs July 2005.

Hans Küng (2005) Religion, violence and "holy wars", international review of the red cross, vol87, no858, June.

Jane McGrory (2008) Faithful peace, peaceful faith: The role of women of faith in building peace, Progressio, www.progressio.org.uk.



اما ایده اصلی مقاله حاضر، مرتبط با این پرسش‌ها، این است که بن‌مایه الاهیاتی تزه‌ای مرتبط با "جنگ دینی" یا "صلح دینی" از طریق ارجاع به منظرهای "انحصارگرایی دینی" (این که تنها یک دین بر حق است و می‌تواند راه رستگاری باشد)، "شمول‌گرایی دینی" (این که ادیان دیگر نیز نسبتاً حظی از برحق بودن دارند و میتوانند راه نجات و رستگاری را نشان دهند) و "کثرت‌گرایی دینی" (این که همه ادیان بالسویه بر حق‌اند و می‌توانند راه نجات و رستگاری را به شیوه خاص خود نشان دهند) امکان پذیرند.

به همین منوال مفروض شالوده‌ای مقاله نیز، در نسبت با این ایده، این است که از این لحاظ و با تاکید بر "الهیات فرهنگی" (الهیاتی که نقطه تمرکز آن بر کثرت‌گرایی فرهنگی، چند فرهنگ‌گرایی و تقویت امر بینا فرهنگی دینی است) می‌توان گفت که "کثرت‌گرایی دینی" زمینه فرهنگی اجتماعی مساعد برای تقویت و توسعه "صلح دینی" ایجاد صلح و کمک به صلح از طریق آموزه‌های ادیان و عملکردهای اجتماعات و سازمان‌های و نهادهای دینی و رویه‌های دین‌داران است.

پر واضح این است که جای خالی مباحث الاهیات‌های غیر اسلامی مرتبط با فرهنگ دینی صلح و جنگ - اعم از ابراهیمی و آسیایی - همچنان در مقالاتی از این دست مهم و موثر است. زین سبب نگارنده امیدوار است در فرصتی مغتنم و در نوشتاری مستقل نیز بتواند از مباحث این الاهیات‌های موثر مهم نیز بهره و حظ وافر را ببرد.^۱ اما برای بازخوانی تئوریک دیدگاه‌های مرتبط با مساله واقعی صلح اخوش بختانه در مقاله ارائه شده به همایش زیراین فرصت برای پژوهش در باره « متن های مقدس ادیان ابراهیمی و مساله صلح » فراهم آمد:

- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹) ظرفیت های متون دینی برای سیاست صلح گرای و حل گفتگویی منازعه: مروری فشرده بر متون ادیان ابراهیمی و آسیایی، کد مقاله 1326-ICPCR، دومین کنفرانس بین المللی «صلح و حل منازعه» دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، آذر ۱۳۹۹؛ در: کتاب «چکیده مقالات دومین همایش بین المللی صلح و حل منازعه»، ص ۸۱؛ <https://icpcr.ut.ac.ir/fa?lang=fa>؛ قابل دسترسی در وبگاه همایش به آدرس اینترنتی: <https://icpcr.ut.ac.ir/page.html?lang=fa>.



دینی ما نیازمند مرور متنی ادیان ابراهیمی از منظری کلی نیز هستیم. منتهی این خود پیش‌تر مستلزم روشن ساختن مفهوم و مساله کلیدی "صلح" است. به این منظور در بخش اول این مقاله به واری‌های مفهومی واژه صلح و مساله صلح خواهیم پرداخت.

اما این مقاله با وجود تأکید بر اهمیت این نوع مسایل واقعی ذکر شده که مرتبط با صلح دینی و جنگ دینی‌اند، صرفاً بر بازخوانی مبانی تئوریک مندرج در دیدگاه‌های الاهیات فرهنگی صلح دینی متمرکز است، چون معتقد است برای فهم هرگونه صلح دینی از منظر دین پژوهی لازم است از نو نگاهی دیگر به الاهیات صلح در پرتوی مسایل جدید داشت.

(۱) فضای مفهومی واژه صلح

این مهم است که بدانیم به هنگام بحث از صلح و نقیض آن- جنگ- درباره چه چیزی، با چه معنا، چه محتوایی چگونه مضمون‌پردازی می‌کنیم. از این حیث است که توجه به میدان معنایی این واژه و به اصطلاح فضای مفهومی که حول و حوش آن ساخته و پرداخته شده است می‌تواند مثمر‌تر باشد. به طور مختصر اگر بخواهیم به این معنا درباره صلح بیندیشیم و گپ و گفت داشته باشیم ناگزیریم که روی چند نقطه زبانی و خانواده زبان شناختی تاملی کوتاه داشته باشیم. از این لحاظ به نظر ما این طور می‌رسد که با رجوع به سه فرهنگ زبانی انگلیسی، عربی، پارسی می‌توان به مقصود رسید.

در فرهنگ زبان انگلیسی، ترجیحاً واژه نامه «آکسفورد» که مبنای مراجعه ما است، واژه peace (صلح) به معنای بسیار جالب و قابل تامل: freedom from war and



violence (نبود جنگ و رهایی از خشونت) آمده است^۱ که نشان می دهد؛ گرانیگاه زبان شناختی و سمانتیکی مفهوم‌پردازی درباره صلح به صورت ایجابی آن وجودآرامش و آسایش و رهایش از خشونت و تعارض و تنازع است.

از این نظر دست کم مشخص می‌شود در فرهنگ اروپایی به عنوان میراث برفرنگ لاتین، که واژه PAX یا به اصطلاح فلسفه حقوقی آن "صلح رومی" به عنوان سرواژه PEACE برگرفته از آن است، هم میدان سمانتیکی و هم فضای هرمنوتیکی واژه صلح به نبود خشونت جمعی سازمان‌یافته راجع است. هر چند امروزه در فرهنگ مدرنیته‌ای شده غرب، که به ادبیات فلسفه و علوم انسانی مدرن نیز تسری یافته است، به هنگام بحث از خشونت به مثابه نقیض صلح می توان نه فقط برتجلی فیزیکی اعمال خشونت بر دولت ملت و مردمان که برتبلور "خشونت بدنی، زبانی، روحی" نیز به عنوان نقیض و نبود صلح تاکید نمود. بخشی از شاهد مثالی ما در این باره می‌تواند واژه‌های پیرامونی تنیده شده دراین فضای مفهومی باشد^۲؛

که همگی از حیث بار معنایی که حمل می‌کنند ناظر به تلاش جهت "ایجاد صلح"، "مراقبت از صلح" و "دوستاری صلح" هستند. این‌ها دقیقاً این واقعیت را هم به ما نشان می‌دهند که چرا و چگونه در زیست جهان مدرن اروپایی بخش مهمی از شبکه فرهنگی "جنبش‌های اجتماعی جدید" (NSMs)^۳ مختص فعالیت‌های مدنی مردمی صلح‌گرایی - سازی شده است.

در فرهنگ سامی عربی نیز، که خارج از خانواده زبانشناختی هندی- ایرانی- اروپایی است، به طرزی دیگر و با نگاهی که خاص این فرهنگ است به واژه صلح نظر شده است. درفرنگ پایه "المنجد" معنای ادبی این واژه به صورت "ضد فسد" و "ای یوافق

^۱ OXFORD DICTIONARY ADVANCED, 1995, ART: P, PAGE 852.

^۲مانند این واژه های مهم:

Peace- making, peace -loving, peace-keeping, peace-forming, peace -driving

^۳New Social Movements



حسن" (مخالف امر فساد و موافق امرخوب) تعبیر شده است. در معنای وسیع‌تر نیز عبارت: "رفع الحرب علی الشروط تعرف به الشروط الصلح" (کم کردن شرجنگ منطبق باشرایط متعارف آن) ذکر شده است.

در این جا نیز تمایز مهمی میان صلح و نقیض آن "فساد" دیده می شود که بسی در قالب فرهنگ سامی و زبان عربی نشات گرفته از آن معنادار است- به این معنا که هرچیزی که غیرصلح است می‌تواند مایه ایجاد فساد و "شر" تلقی شود و به یک معنای موسع دیگر مایه انهدام امر "خیر" است. همان گونه که بعدا خواهیم دید، بخش مهمی از میدان سمانتیکی واژه‌پردازی و عبارت‌سازی‌های عمیق، دقیق و جدید "قرآن" در باره صلح، ازاین فرهنگ سامی نیز متأثر شده است.

در فرهنگ آریایی و زبان پارسی نیز روایت ادبی از صلح حال وهوای دیگری دارد. از حیث ادبی، در فرهنگ "عمید" بر دو عبارت جالب توجه پارسی سره یعنی "سازش و آشتی" به عنوان معنای اصلی این واژه تاکید شده است.^۱ در ذیل مشتقات واژه آشتی نیز، که از ریشه‌ی زبانی پهلوی ASTIH ماخوذ است، بر عمل "دوستی" پس از قهر و نزاع و مخاصمه تاکید شده است^۲ که می‌تواند از حیث جامعه‌شناختی نشان‌دهنده این باشد که نقطه ثقل صلح‌گرایی بر پدیده دوستی استوار است- یعنی رخدادی که در زیست جهان مدرن ما به عنوان مایه تعامل اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و نهایتا وفاق اجتماعی معرفی شده است.

شاهد مثالی دیگر ما از این نظرکه برای توصیف صلح و آشتی به کاررفته است و خصوصا برای تقویت معنایی تعامل اجتماعی از طریق صلح‌گرایی نیز مهم است، مفهوم "سازش" است. عبارت‌پردازی ادبی این واژه مهم نیز پیرامون "هماهنگی" و

۱ المنجد فی اللغة العرب ، ۱۹۳۰، ماده صلح، ص ۴۳۲.

۲ عمید، حسن (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی عمید ، تهران: انتشارات فرهنگ نما، ماده صلح ، ص ۶۵۰.

۳ همان : ماده آشتی، ص ۲۵ .



سازواری است.^۱ باری هسته مشترک مفهوم صلح در فرهنگ‌های زبانی سه گانه موصوف متضمن این ایده‌های معنایی از صلح است: «آرامش و آسایش؛ رهایش از خشونت، تعارض و تنازع؛ نبود خشونت جمعی سازمان‌یافته؛ نبود خشونت بدنی، زبانی، روحی؛ نبود فساد و امر شر و بود امرخوب؛ دوستی، سازش، آشتی؛ نبود قهر و نزاع و مخاصمه».

(۲) فضای مفهومی مساله صلح

اهمیت عملی دین‌ورزی و دین‌گرایی در زندگی اجتماعی و تأثیرات ایجابی و سلبی آن بر زیست جمعی و حوزه عمومی و جامعه مدنی مساله اجتماعی مهمی است که نمی‌توان آن را انکار نمود. این امر به ویژه درباره نسبت موثر و مهم دین با صلح و ناصح هم بسیار صادق است. تاریخ کلاسیک و مدرن زندگی اجتماعی نشان می‌دهد که در مینانت شکل‌دهنده به جنگ هم دین‌گرایی بوده است و هم سیاست‌گرایی. به عبارتی ریشه و خاستگاه جنگ‌های کلاسیک و مدرن یا دین بوده است و یا سیاست. بنابراین تاریخ مدرن ما شاهد دو نوع جنگ بوده است: جنگ‌های مذهبی و سیاسی. بنابراین شایسته و بایسته است پرسش‌های فلسفی-الاهیاتی و انسان‌شناختی - جامعه‌شناختی مهمی در این باره لازم است طرح شوند تا خاستگاه تکوین جنگ‌های دینی و مکانیزم شکل‌گیری نسبت دین و جنگ یا ناصح، وجود هرگونه وضعیت مبتنی برستم، خشونت، خشم، تقابل، تعصب، تبعیض، بی‌عدالتی، را روشن کنند.

اما با توجه به گستردگی این کاوش چند دانشی و محدودیت این مقاله یکی از پرسش‌هایی که می‌تواند متناسب باشد، پرسش از نقیض جنگ یعنی صلح [درمنطق برهان خلف] است: «چرا و چگونه دین و صلح با یک دیگر نسبت پیدا می‌کنند؟». هدف یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش است. در اینجا هدف ما بیشتر بحث درباره

۱ همان، ماده سازش، ص ۵۵۵.



صلح است؛ یعنی وجود هرگونه وضعیت اجتماعی که مبتنی است بر: «امید، آرامش، امنیت، آزادی، تساهل، گفتگو، تفاهم، تعامل در زندگی جمعی؛ در سطح دولت ملت، سیستم، جامعه، فرهنگ؛ و در سپهرهای حوزه عمومی، جامعه مدنی و جامعه جهانی». این امر همان گونه که متذکر شدیم مستلزم نوعی صلح پژوهی بینا فرهنگی و بینادینی و بینادانشی است.

اما برای بازخوانی مساله صلح ضروری است بدانیم که این مساله برای بازخوانی شدن، تابع چه وجوه معرفتی است؛ و این که برای شناخت علمی این مساله و نیز از حیث شناخت آن از منظر الاهیات فرهنگی به چه دیدگاه‌هایی در نسبت با صلح پژوهی دینی و فرهنگی باید نزدیک شد. لذا آن چه در ادامه مختصراً خواهد آمد راهی است فراسوی پژوهش‌های بعدی در باره صلح پژوهی دینی، هم از منظرهای فلسفی-الاهیاتی و هم از منظر انسان‌شناختی - جامعه‌شناختی .

به این منظور ما در این جا تاکیدمان را روی چند موضع نهاده ایم: «مفاهیم و سازه‌های اصلی صلح؛ مباحث تئوریک صلح؛ مباحث آمپریک صلح؛ مضمون‌های کلیدی صلح؛ برخی مسایل اجتماعی معاصر در صلح پژوهی؛ محدوده دین‌های مورد صلح پژوهی؛ رهیافت‌های دین پژوهی مورد استفاده برای بحث صلح پژوهی»^۱.
مفاهیم و سازه‌های اصلی

سه مفهوم مساله‌مند اصلی در صلح پژوهی عبارتند از "صلح" که به معنای: «وجود وضعیت مبتنی بر امید، آرامش، امنیت، آزادی، تساهل، گفتگو، تفاهم، تعامل در زندگی جمعی؛ در سطح دولت ملت، سیستم، جامعه، فرهنگ؛ و در سپهرهای حوزه عمومی، جامعه مدنی و جامعه جهانی» که باید تعریف و تعبیر شود؛ و "ناصلح"

۱ مواد این بخش از بحث از درسگفتار نگارنده با مشخصات زیر برگرفته شده است:
▪ نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸) درس گفتار: «دین و صلح / ناصالح» انجمن جامعه شناسی ایران- مرکز آموزشهای تخصصی و جامعه محور ۲ اسفند ماه ۱۳۹۸، ساعت ۹- ۱۱/۱۲ دقیقه].



که این مفهوم مساله‌مند نیز باید به «وجود وضعیت مبتنی بر کشتار، نسل‌کشی، قوم‌کشی ترور، ستم، خشونت، خشم، تقابل، تعصب، تحجر، تبعیض، بی‌عدالتی» تعبیر شود. همچنین در صلح پژوهی‌ها باید بتوان مفهوم مساله‌مندی مانند "صلح پایدار" را نیز بررسی نمود.

مباحث تئوریک

چند بحث مهم در این جا برای پیشبرد صلح پژوهی دینی مطرح است « ذات امر دینی و مقوله صلح و ناصح؛ ذات امر دینی و مقوله ناصح؛ اقتضائات امر دینی و ایجاد زمینه‌های تفکر صلح‌گرا؛ اقتضائات امر دینی و ایجاد زمینه‌های تفکر ناصح‌گرا ».

مباحث آمپریک

این جا هم باید به چند مقوله مهم که مرتبط با امر تجربی صلح پژوهی دینی است توجه نمود: «سیاست‌های فلسفی - الاهیاتی تقویت و توسعه تفکر دینی صلح‌گرا؛ سیاست‌های فلسفی - الاهیاتی حذف یا کاهش تفکر دینی ناصح‌گرا؛ سیاست‌های دینی حذف یا کاهش ناصح‌گرایی؛ سیاست‌های دینی تقویت و توسعه صلح‌گرایی ».

مضمون‌های کلیدی

چند مضمون مهم هم برای صلح پژوهی دینی قابل بازخوانی است: « صلح و تساهل درنسبت با امر دینی؛ صلح و شهروندی در نسبت با امر دینی؛ صلح و حقوق‌بشر در نسبت با امر دینی؛ سیاست دیالوگی بین‌ادیانی و صلح؛ سیاست مونولوگی ادیان و نا صلح؛ خط‌مشی انحصارگرایی دینی و ناصح‌گرایی دینی؛ خط‌مشی شمول‌گرایی دینی و نیمه صلح‌گرایی دینی؛ خط‌مشی کثرت‌گرایی دینی و تمام صلح‌گرایی دینی».



برخی مسایل اجتماعی صلح پژوهی

همچنین چند مساله اجتماعی مهم مرتبط با صلح پژوهی دینی نیز مطرح‌اند: « بنیادگرایی‌های دینی و ناصح‌گرایی؛ کثرت‌گرایی‌های فرهنگی اجتماعی و صلح‌گرایی دینی؛ پسا سکولاریزم و پسا متافیزیک هابرماسی و صلح‌گرایی دینی»

محدوده دین‌های مورد بحث

نیز لازم است در بحث از صلح پژوهی دینی به محدوده دینی مورد بحث هم توجه نمود. از این نظر صلح پژوهی دینی می‌تواند در این محدوده علمی عمل کند: « دین در کلیت آن؛ ادیان ابراهیمی؛ ادیان آسیایی؛ هندو بودیزم، زرتشتی، کنفوسیوسی، تائویزم، شینتویزم؛ جنبش‌های دینی جدید و نومعنویت‌گرایی‌ها ».

رهیافت‌های دین پژوهی برای صلح پژوهی

و نهایتاً به ضرورت مطالعه بینادانشی و بینارشته‌ای صلح پژوهی اشاره نمود که برای جامعیت بخشیدن و عمیق‌تر نمودن مطالعات صلح دینی لازم‌اند. از این نظر چند رهیافت در مطالعات صلح مطرح‌اند: « تاریخ ادیان؛ فقه، کلام دینی و الاهیات؛ فلسفه دین؛ انسان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین»

(۳) الاهیات‌ها و الگوهای تحلیلی صلح پژوهی دینی

الاهیات به معنای مورد نظر ما در این نوشتار، که نقطه ارسنمیدسی آن بحث کلیدی پیرامون نسبت «دین- خداوند - انسان» (الاهیات محض)، «دین- فرهنگ- انسان» (الاهیات فرهنگی)؛ «دین - سیاست - انسان» (الاهیات سیاسی) و نهایتاً «دین- خداوند-انسان- جامعه» (الاهیات اجتماعی) است؛ نمیتواند نسبت به مقولات مهمی که موثر بر سرنوست انسان، فرهنگ و جامعه و نیز دین ورزی و خداگرایی است ساکت باشد.^۱

۱ در مورد الاهیات‌های گفته شده (الاهیات‌های محض، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی) برای نمونه نگاه شود به:



ازین حیث پرداختن الاهیات در هر چهار نسخه آن (محض، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی) به پدیده جمعی موثری مانند صلح (و نیز نقیض آن یعنی جنگ) را باید امری بدیهی و طبیعی و منطقی دانست. اما مساله مهم این است که چگونه این امر مهیا می‌شود. در عین حال و به نظر ما «الاهیات فرهنگی»، به همان معنایی که در مقاله تعبیر کردیم، یعنی الاهیاتی که نقطه تمرکز آن بر «کثرت‌گرایی فرهنگی، چند فرهنگ‌گرایی و تقویت امر بینافرهنگی دینی» است بیش از دیگر نسخه‌های الاهیاتی (الاهیات‌های اجتماعی سیاسی حقوقی) می‌تواند در خدمت صلح دینی باشد. منظور صلحی است که با کمک گرفتن از «آموزه‌های دینی اخلاق‌گرای مسالمت‌آمیز، استدلال‌های کلامی عقلانی عقیدتی انسان‌گرا، رویه‌های دین‌گرایی مبتنی بر همبستگی اجتماعی در نزد دین‌ورزان در جامعه، و نهایتاً عملکردها و کارکردهای مدنی عام‌المنفعه صلح‌آمیز نهادها و سازمان‌ها و اجتماعات دینی» محقق می‌شود.

- اشمیت، کارل (۱۳۹۰) الاهیات سیاسی ۱، لایلا چمن خواه، تهران، نشر نگاه معاصر.
- اشمیت، کارل (۱۳۹۲) الاهیات سیاسی ۲، لایلا چمن خواه، تهران، نشر نگاه معاصر.
- کارل اشمیت (۱۳۹۳) الاهیات سیاسی: چهار فصل در باب حاکمیت، طاهر خدیو، تهران، رخ داد نو.
- مارتین، دیوید و همکاران (۱۳۹۴) جامعه‌شناسی و الاهیات، علی مرشدی زاد، تهران، ترجمان علوم انسانی.
- میلبانک، جان (۱۳۹۶) الاهیات و نظریه اجتماعی: فراسوی عقل سکولار، شهناز مسمی پرست و شهرزاد قانونی، ویراسته ایرج قانونی، تهران، ترجمان علوم انسانی.
- دیویس، چارلز (۱۳۸۷) دین و ساختن جامعه: جستارهایی در الاهیات اجتماعی، حسن محدثی و حسین باب الحوایجی، تهران، موسسه مطالعات بنیادین پویه، یادآوران.
- کرون، پاتریشیا (۱۳۹۴) تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، مسعود جعفری، تهران، انتشارات سخن.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸) الاهیات و فکر سیاسی در ایران: کلام - فقه شیعی به مثابه شبه الاهیات سیاسی، مقاله ارائه شده به «دهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران»: وضعیت فکر سیاسی در ایران معاصر - دی ماه ۱۳۹۵.

Byrne, p and Holden, l (Eds) (2003) companion encyclopedia of theology, Routledge.

Ward, g(Ed) (2005) the Blackwell companion to postmodern theology, Blackwell publishing.

SCOTT. Q & CAVANAUGH, W.T (Eds) (2015) the Blackwell companion to political theology, Blackwell.

Grill, Robin (Ed) (1996) the Theology and Sociology: A Reader, Cassel.



از این منظر توجه به چند الگوی تحلیلی مرتبط با "صلح پژوهی دینی"، که برگرفته از الاهیات فرهنگی است، سودمند است. با این وصف به نظر این طور می‌رسد که می‌توان به صورت مقایسه‌ای نیز در الاهیات‌های دیگر هم پتانسیل‌های تئوریک برای استنباط الگوهای تحلیلی صلح دینی را جست (ولو به صورت یافتن داده‌هایی مغایر با صلح و در عوض متناسب با نزاع‌گرایی) و برای تکمیل الگوهای تحلیلی این داده‌ها را هم نشان داد. امری که بسی سودمند است و به پر بار شدن و غنای نظری صلح پژوهی دینی می‌افزاید. برای نمونه می‌توان به این چند نکته مختصر در این‌باره توجه نمود.

اول- در "الاهیات محض" PURE THEOLOGY، الاهیاتی که صرفاً از منظر کلامی فلسفی و به صورت عقلانی و عقیدتی در پی تشریح نسبت خداوند و انسان و توضیح مقام خالقیت خداوند و عبودیت انسان است، می‌توان جنبه‌ها و وجوه اعتقادی را برای "صلح‌گرایی دینی" مد نظر "صلح پژوهی دینی" قرار داد، که ناظر به وظایف اخلاقی دینی انسان متعبد در قبال هم نوع خود و الزام و تعهد و تکلیف وی در برابر حفظ جان دیگری و نیز احساس مسئولیت بنده خدا در قبال انسان‌های دیگر است. به نظر ما این‌ها را می‌توان مبنای یک "الگوی انسان‌گرایی الاهیاتی" در صلح پژوهی دینی قرار داد.

دوم- در "الاهیات اجتماعی" SOCIAL THEOLOGY نیز، الاهیاتی که آموزه‌های الاهیات محض را در نسبت خداوند با انسان و جامعه و نیز وضع انسان اجتماعی در نسبت با آموزه‌های الاهیاتی ادیان می‌بیند و به دنبال کار بست این آموزه‌های الاهیاتی در زندگی اجتماعی دین‌داران است، می‌توان رگه‌هایی قوی از صلح‌گرایی را جست. منظور آموزه‌هایی است که ناظر به تحقق امر هم بستگی اجتماعی، تثبیت توافق و تفاهم اجتماعی کنش‌گران، کاهش تضادهای اجتماعی، افزایش امر خیر اجتماعی، تقویت اخلاق اجتماعی و توسعه حوزه عمومی و جامعه مدنی مبتنی بر اخلاق شهروندی است. این‌ها همه بیش و کم می‌تواند منجر به شکل‌گیری الگوهای



تحلیلی شوند که موجه و معتبر برای صلح‌گرایی‌اند و راه را برای صلح پژوهی دینی نیز هموار می‌سازند.

سوم- در "الاهیات سیاسی و حقوقی" POLITICO-LEGAL THEOLOGY نیز، الاهیاتی که با امر حکومت و دولت و سیاست و قدرت و نظم و قانون و نسبت آن‌ها با خداوند و تسری آموزه‌های دینی مرتبط به این امور در باور معتقدان به و طرز کار نهادها و سازمان‌ها و اجتماعات دینی مرتبط‌اند، می‌توان رگه‌هایی ولو کم رنگ از صلح‌گرایی را شاهد بود. هر چند به واسطه ماهیت اراده معطوف به قدرت نهفته در الاهیات سیاسی، دست کم به معنای تعبیر شده در این جا، نزاع‌گرایی و مناقشه‌گرایی و چالش‌سازی خصلت طبیعی امر سیاست و قدرت و حکومت است و لذا توقع همگرایی الاهیات سیاسی با صلح‌گرایی بسیار کمتر از همگرایی این الاهیات سیاسی با نزاع‌گرایی و جنگ‌گرایی است؛ اما درعین حال با شناسایی نقاط ثقل الاهیات سیاسی که متمرکز بر صلح‌گرایی است می‌توان از این مبانی تئوریک این الاهیات نیز الگوی تحلیلی برای صلح پژوهی دینی فراهم ساخت. خصوصاً در خطوط تماس میان الاهیات سیاسی و مساله مهم ایجاد نظم مبتنی بر صلح پایدار و امنیت متکی بر مسالمت جویی در سطح دولت - ملت و سطح سیاست بین‌المللی و جهانی می‌توان مانور بیشتری از حیث تئوریک داد.

(۴) نمونه الگوی تحلیل صلح پژوهی در قرآن

الاهیات صلح در جهان اسلام و در مورد دین اسلام بیشتر نمود و برجستگی دارد. زیرا از حیث تاریخی و الاهیاتی سرشت و سرنوشت دین‌ورزی فرهنگی، خداگرایی اجتماعی و حتی برپایی جامعه عقیدتی و سیاسی یا «امت» که مندرج در این دین است - در سرتاسر تاریخ سیاسی یک و نیم هزاره‌ای که تاکنون از سرگذراننده، درست یا نادرست



و به حق یا ناحق، عمدتاً با امر « صلح یا جنگ » در درون مرزهای دارالاسلام و با برون مرزهای جهان اسلام تعریف و تعبیر شده و به نوعی در بطن تاریخ تحقق یافته است.

بنابراین نه تنها باید دید از این لحاظ، بافتار و زمینه و تاریخ الاهیاتی اسلام تا چه اندازه و چگونه با پدیده صلح و جنگ نسبت برقرار نموده است؛ بلکه به همان اندازه نیز ضروریست تا از حیث فرهنگی بفهمیم که متن الاهیاتی و دینی اسلامی نیز چگونه تعبیر، تعریف، تبیین و تفسیری از مفهوم- پدیده صلح/ جنگ به دست داده است. ما برای حصول به این منظور این سه متن شاخص را مبنای تامل کوتاه خود قرار داده ایم: «قرآن، نهج الفصاحه، نهج البلاغه» .

برای ورود به مبانی و مقدمات بحث از صلح در قرآن، ابتدا لازم است تا به سه منظر قرآنی در این مساله توجه کنیم. اولین منظر در این موضع "پارلماتیک صلح" است که منظور از آن جنبه‌های مساله‌ای صلح از منظر قرآن مجید است که در آن صلح به عنوان یک مساله مهم عقیدتی فرهنگی برای پایایی و پویایی زیست امت اسلامی تبیین و تشریح شده است. منظر دوم از این حیث، "رتوریک صلح" یا موضع خطابی تبلیغی ترویجی است که قرآن کریم برای تقویت، توسعه و تعمیق صلح اتخاذ نموده است. موضع و منظر سوم نیز "دیسکورس صلح" و به عبارتی گفتمان صلح خواهی، صلح دوستی، صلح‌سازی و صلح‌گرایی است که قرآن به آن پرداخته است.

در همه این موضع‌ها و منظرها آن چه بیشتر جلب نظر می‌کند توجه دادن مکرر قرآن به تثبیت و تکثیر فرهنگ صلح در زندگی فردی و جمعی است. این امر، همانگونه که در ادامه نمونه‌هایی از قرائن و شواهد مثالی آن را به نقل از قرآن کریم خواهیم آورد، در تمامی وجوه متکثر زیست عقیدتی، معرفتی، فرهنگی که ما انسان‌ها (خطاب عام قرآنی) و به تبع امت اسلامی (خطاب خاص قرآنی) داریم در دو تراز



کلیدی زیر متجلی و بارز است: تراز اول - در زیست فردی، به صورت انجام دادن عمل صالح؛ تراز دوم - در زیست جمعی، به صورت پیگیری اصلاح بین ذات. این ترازها در عرصه‌های مختلف و متفاوت زیست‌های بینادینی، بینا فرهنگی، بینادهنیتی خود را به صورت تحقق صلح میان پیروان همه ادیان و فرهنگ‌های قومیتی نژادی زبانی نشان می‌دهد. تا جایی که به فرهنگ ادیان ابراهیمی بر می‌گردد، نحوه صورت‌بندی فقهی چنین دکترین صلح‌سازی در شریعت‌های یهودی، مسیحی، اسلامی محل بحث و مناقشه است، به ویژه آنجا که بحث جهاد عقیدتی مومنان با غیر مومنان مطرح می‌شود و در "الاهیات‌های سیاسی" مبتنی بر این ادیان مقوله و مساله صلح مقید و مشروط به برگ و بار می‌نشیند.

با این وجود دست کم در فقه اسلامی، فارغ از باب فقهی "جهاد"، تمرکز بر مقوله "مصالح مرسله" به عنوان موضع زیستی که مسلمین در آن باید مشمول فرهنگ صلح قرآنی شوند، محل تامل است. وفق این دقیقه تمامی عرصه‌های دین‌داری که شامل « حفظ جان، نگه داشت مال، باز تولید نسل و سلامت عقل » هستند می‌باید به مثابه مهمترین رکن زیست فردی و جمعی بشریت و امت اسلامی در پرتوی صلح، که همراه با «امنیت- نظم - وحدت- آگاهی- اراده - اختیار» است، استمرار داشته باشند. به این قرار و از این منظر اگر نگاه کنیم، نفس وجود و رسمیت یافتن مقوله "مصالح مرسله" فقهی - شرعی خود موید و مقوم "صلح‌سازی" در اجتماع دینی‌اند.

لذا به این قرار "امر صلح" منضم به نظم و امنیت در اجتماع اسلامی و متون و معارف دینی نیز، تا جایی که به سیستم "حقوق اسلامی" در متن سنت‌گرایی فقهی -

۱ در مورد اهمیت جامعه شناختی حقوقی لمصالح مرسله در اسلام» و «اجتماع مسلمین» نگاه شود به :

- نجاتی حسینی ، سید محمود (۱۳۹۴) **خاستگاه‌های عقیدتی - دینی در نگرش - گرایش به مصالح جمعی (مطالعه موردی دعا، حدیث و حکمت شیعی)** ، در : بحرانی ، مرتضی (ویراستار) (۱۳۹۴) **فردگرایی و جمع گرایی در آموزه های اسلامی :**

مجموعه مقالات ، صص ۳۹۶-۳۵۵



شرعی اسلامی کلاسیک آن برمی‌گردد^۱، مبتنی است بر الزام جدی به "رعایت حقوق و تکالیف مردم و حاکم" اسلامی. و نیز تا جایی که این "صلح‌گرایی" در بافتار مدرن زندگی و در اجتماع دینی شکل مدنی مدرن به خود می‌گیرد، ناظر به پایبندی اجتماع دینی و حکومت دینی به رعایت استانداردهای "حقوق‌بشر و شهروندی دینی" است.^۲

در هر دو صورت "صلح پایدار" در اجتماعات اسلامی و جهان اسلام می‌تواند خاستگاه‌های شرعی خود را، علاوه بر خاستگاه‌های عرفی و مدنی که در استانداردهای سیاست بین‌الملل و پروتکل‌های حقوق بین‌الملل وجود دارد، در متن مقدس و نیز در معارف دینی و دانش‌های اسلامی کلاسیک (از کلام تا تفسیر و حدیث و فقه و اخلاق عرفان) خصوصاً در متن "کلام سیاسی"^۳ و نیز در محتوای "فقه سیاسی"^۴ بازیابی و جایابی کند.

۱ در مورد «سیستم حقوق اسلامی» نگاه شود به :

- اندیشمندان و پژوهشگران کشورهای اسلامی (۱۳۹۲) فقه و قانون: ایده‌ها، پیشنهادات و راه حل‌های روشی، قم، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی.
- حلاق، وائل بن (۱۳۸۸) تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی، محمد راسخ، تهران، نشر نی.
- ساخت، یوزف (۱۳۸۸) دیباچه‌ای بر فقه اسلامی، اسدا...توری، تهران، هرمس.
- ۲ در مورد امر □ حقوق بشر و شهروندی دینی □ نگاه شود به :
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۱) نسبت اجتماعی حق - وظیفه در گفتمان دینی: تحلیل محتوای موردی نهج البلاغه و نهج الفصاحه، دوفصلنامه علمی تخصصی اسلام و علوم اجتماعی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، سال ۴، شماره ۷، صص ۴۳-۸۰.
- ۳ در مورد «کلام سیاسی» برای نمونه نگاه شود به:
- مونتمگری وات، ویلیام (۱۳۸۹) فلسفه و کلام اسلامی، ابوالفضل عزتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) کلیات علوم اسلامی: کلام- عرفان- حکمت عملی، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) کلیات علوم اسلامی: اصول فقه و فقه، تهران، صدرا.
- ۴ در مورد «فقه سیاسی» نیز نگاه شود به :
- کدیور، محسن (۱۳۹۳) حکومت ولایی، تهران، نشر نی.
- کدیور، محسن (۱۳۷۸) نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران، نشر نی.
- فیرحی، داوود (۱۳۹۲) فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، تهران، نشر نی.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۲) تاریخ فقه و فقها، تهران، سمت.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۳) فقه شیعی از منظر تاریخ اجتماعی فرهنگی: یادداشت‌های برای پژوهش آتی، مطالعات اجتماعی دین‌آشنربه علمی تخصصی



به هم چنین از حیث جامعه‌شناسی سیاسی دینی و در متن روندهای ساخته شده «اندیشه سیاسی در اسلام»، دوران‌های کلاسیک (سده‌های ۷ تا ۱۹ میلادی) و مدرن (سده ۲۰ میلادی به این سو)، نیز می‌توان شاهد شکل‌گیری جریان‌های سیاسی و جنبش‌های دینی بود^۱. که یا به سمت «صلح‌گرایی» متمایل بوده‌اند، چه در درون مرزهای سرزمینی اسلام و چه در بیرون این مرزها، مانند نوگرایان و روشن‌گرایان دینی؛ و یا این که به سمت «نزاع‌گرایی» با مدرنیته و دولت‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی متمایل بوده‌اند، مانند اصول‌گرایان و بنیادگرایان.

همچنین در این موارد می‌توان ملاحظه نمود که چگونه گروه‌های فکری عقیدتی با داعیه اسلام‌گرایی، «جنگ‌گرایی» را مبنای اسلام‌گرایی خود قرار داده‌اند، مانند سلفی‌گری و گرایش‌های افراطی اسلام سیاسی، که نهایتاً به شکل نظامی‌گری و تروریسم درآمده‌اند، مانند آن چه در نزد القاعده و طالبانیزم عربی - افغانی و ورژن خشن و خونین آن یعنی «داعش» در سال‌های ۲۰۱۰ میلادی تا کنون در جهان اسلام، از خاورمیانه تا شمال آفریقا و آسیای میانه می‌توان دید^۲. در همه این موارد جای

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران - بخش جامعه‌شناسی دین [شماره ۳، صص ۹-۱۸ .

- ۱ در مورد «اندیشه سیاسی» در اسلام برای نمونه نگاه شود به:
 - عنایت، حمید (۱۳۸۹) اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، بهاء الدین خرم شاهی، تهران، خوارزمی.
 - کرون، پاتریشیا (۱۳۹۴) تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، مسعود جعفری، تهران، سخن.
- ۲ در مورد واقعیت اجتماعی «اسلام‌گرایی سیاسی افراطی» در جهان اسلام کنونی نگاه شود به:

نجاتی حسینی، سید محمود (پاییز و زمستان ۱۳۸۷) جهانی شدن، امپریالیسم فرهنگی و اسلام سیاسی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه (مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه) شماره ۳ و ۴ (۵۴ و ۵۵) صص ۶۵-۹۴.

نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸) **الاهیات رادیکال: الاهیات سیاسی افراط‌گرایان اسلامی**، مقاله ارائه شده به «همایش بین‌المللی گفتگوی نخبگان جهان اسلام» با موضوع «بررسی چالشها، زمینه‌ها و همکاری‌های مشترک ایران - سوریه - لبنان - عراق» [اردیبهشت ۱۳۹۸ - تهران: پژوهشکده بین‌المللی عصر و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران].



«اسلام سیاسی، اسلام قدرت، اسلام حکومتی»^۱ در زمینه "نزع‌گرایی" و "صلح‌ستیزی" با اتکای به برداشت‌های سنتی از اسلام و دین وجود دارد.

در این میان البته نباید از نقش تعیین‌کننده (دترمینانت) جهانی شدن و سکولاریزم فزاینده که در مواجهه با "اسلام سیاسی" مناقشه‌انگیز و منازعه‌انگیز ظاهر شده است و خاستگاه تکوین آن نیز غرب (اروپا و امریکا) بوده است، در روند و فرایند "صلح‌سازی و صلح‌ستیزی" غفلت نمود. خصوصاً از این لحاظ که از منظر جامعه‌شناسی سیاسی دین، افزایش شدت گسترش سکولاریزم در جهان اسلام می‌تواند با افزایش بنیادگرایی‌های دینی غرب‌ستیز و مدرنیته‌ستیز رابطه معنا دار داشته باشد.^۲

نتیجه: الاهیات فرهنگی مبنايي برای الگوی تحلیلی صلح پژوهی دینی

در این مقاله برای تدوین الگوهای تحلیلی «صلح پژوهی دینی» یک ایده جامعه‌شناختی دینی درباره «صلح دینی» در ادیان ابراهیمی با تأکید بر اسلام مطرح نمودیم. این ایده که ذیل عنوان «الاهیات فرهنگی» نام‌گذاری شد، مدعی است که با ابتدا به چند خصیصه مهم جامعه‌شناختی که مشتمل است بر: «به رسمت شناختن چند فرهنگ‌گرایی، کثرت‌گرایی فرهنگی و تقویت امر بینا فرهنگی دینی» می‌توان "صلح‌گرایی

۱ در مورد «اسلام سیاسی» نگاه شود به :

عبدالرازق، علی (۱۳۸۰) اسلام و مبانی قدرت، امیر رضایی، تهران، قصیده سرا.

عشماوی، محمد سعید (۱۳۹۷) اسلام‌گرایی یا اسلام؟ امیر رضایی، تهران، قصیده سرا.

Linjakumpa, A (2008) political Islam in global world, ITHACA press.

Ayubi, N.N (2005) political Islam, Routledge.

Ismail, S. (1999) rethinking Islamist politics, I.B.TAURIS.

۲ در مورد نسبت «اسلام و مدرنیته و سکولاریزم» برای نمونه نگاه شود به :

فیلائی انصاری، ع (۱۳۹۱) اسلام و لایسته، امیر رضایی، تهران، قصیده سرا.

اسپوزیتو، جان و وال، جان (۱۳۹۱) جنبش‌های اسلامی معاصر، شجاع احمدوند، تهران، نی.



دینی" را در دو تراز مهم بینادینی و درون دینی و بینامذهبی تقویت و توسعه داد.

این الاهیات خصوصا با این موضع در زمینه «صلح‌گرایی و صلح‌سازی» می‌تواند در مقابله و مواجهه با الاهیات معطوف به «انحصارگرایی دینی» (این که تنها یک دین بر حق است و می‌تواند راه رستگاری باشد) و «شمول‌گرایی دینی» (این که ادیان دیگر نیز نسبتا و تا حدودی حظی از بر حق بودن دارند و میتوانند راه نجات و رستگاری را نشان دهند) کارزار اجتماعی سازنده‌ای در جهت صلح جهانی و حل منازعه ادیان و پیروان به راه اندازد.

دراین مسیر جهت مقاله را که مبتنی بر مواضع «الاهیات فرهنگی صلح» است را، به منظور عملیاتی شدن مفاهیم تئوریک و پیش بردن خط سیر صلح پژوهی دینی، به سمت تمرکز بر ترسیم هندسی فضای مفهومی «سازه نظری صلح» و «مساله تجربی صلح» پیش بردیم. تا نشان دهیم چگونه می‌توان تمهیدات تئوریک و متدیک مناسب و متناسب برای پژوهش جامعه شناختی در باره مفهوم - پدیده - مساله «صلح دینی»، یعنی ایجاد صلح و کمک به صلح از طریق آموزه‌های ادیان و عملکردهای اجتماعات و سازمان‌های و نهادهای دینی و رویه‌های دین‌داران، را تحقق بخشید.

با این مستندات در این جا می‌توان، به عنوان نتیجه مقاله، رئوس اصلی خط سیرهایی که موثر بر تنظیم الگوی تحلیل الاهیات فرهنگی برای صلح پژوهی دینی‌اند را اشاره‌وار فهرست نمود. در این میان البته در متن مقاله نیز نگاهی به رهاوردهای مهم «الاهیات محض»، «الاهیات اجتماعی» و «الاهیات سیاسی و حقوقی» در خصوص صلح پژوهی دینی داشتیم و این چند نکته را به عنوان محورهای تدوین الگوهای تحلیلی صلح پژوهی دینی از منظر الاهیات‌های محض، اجتماعی و سیاسی نشان دادیم:

اول- بر مبنای «الگوی انسان‌گرایی الاهیاتی»، صلح پژوهی دینی می‌تواند از



آموزه‌های پایه در «الهیات محض» که ناظر است به «وظایف اخلاقی دینی انسان متعبد در قبال هم نوع خود و الزام و تعهد و تکلیف وی در برابر حفظ جان دیگری و نیز احساس مسئولیت بنده خدا در قبال انسان‌های دیگر» بهره‌بردار.

دوم- در «الهیات اجتماعی» نیز، می‌توان از «الگوی هم بستگی اجتماعی» و آموزه‌هایی مرتبطی سود جست؛ که ناظرانند به تاثیر اجتماعات دینی بر کمک به تحقق «امر هم بستگی اجتماعی، تثبیت توافق و تفاهم اجتماعی کنش‌گران، کاهش تضادهای اجتماعی، افزایش امرخیر اجتماعی، تقویت اخلاق اجتماعی، توسعه حوزه عمومی و جامعه مدنی مبتنی بر اخلاق شهروندی».

سوم- در «الهیات سیاسی و حقوقی» و در «الگوی نظم و امنیت اجتماعی» مرتبط با آن نیز می‌توان از مساله مهم «ایجاد نظم مبتنی بر صلح پایدار و امنیت متکی بر مسالمت‌جویی در سطح دولت - ملت و سطح سیاست بین‌المللی و جهانی» با کمک ادیان سود جست.

اما خط سیرهای الهیات فرهنگی برای صلح پژوهی دینی را می‌توان ذیل این چند نکته مرتب نمود:

تمرکز الهیاتی بر تقویت اجتماعی (نهادی - ساختاری و کنشی) «فرهنگ ایثار و نیکوکاری و امرخیر».

تمرکز الهیاتی بر تعمیق اجتماعی (نهادی- ساختاری و کنشی) «فرهنگ گذشت و سازش».

تمرکز الهیاتی بر توسعه اجتماعی (نهادی- ساختاری و کنشی) «فرهنگ مدارا و گفتگو».

تمرکز الهیاتی بر تعمیم اجتماعی (نهادی- ساختاری و کنشی) «فرهنگ هم زیستی مسالمت‌آمیز».



تمرکز الاهیاتی بر تسری اجتماعی (نهادی- ساختاری وکنشی) « فرهنگ مشارکت معنوی اخلاقی در حوزه عمومی و جامعه مدنی».

تمرکز الاهیاتی بر بسط اجتماعی (نهادی- ساختاری وکنشی) «فرهنگ به رسمیت شناختن تفاوت‌های مذهبی - آیینی قومی، نژادی، زبانی، جنسیتی».

تمرکز الاهیاتی بر پذیرش اجتماعی (نهادی- ساختاری وکنشی) «فرهنگ خرده روایت‌های معنوی نو و خرده روایت‌های محلی - مذهبی - آیینی از دین‌گرایی و نیز دین ورزی‌های پیوندی در میان اجتماعات دینی مدرن و جماعت‌های آیینی نو پدید».

به نظر می‌رسد با توجه به این دلالت‌های مبتنی بر الاهیات فرهنگی که در بالا فهرست شد، می‌توان متوقع بود تا « ادبیات متنی » الاهیات فرهنگی نیز، اعم از متن‌های نوشتاری و گفتاری و دیداری و شنیداری در فضاهای واقعی (مجامع حوزوی و دانشگاهی و حوزه عمومی و رسانه‌ها) و مجازی (اینترنت، شبکه‌های رادیو تلویزیونی ماهواره‌ای و نیز شبکه‌های اجتماعی پرتیراژ و پرکاربر) از نو در پرتوی این ملاحظات « صلح‌گرایی - سازی دینی» مورد بازخوانی و بازنگری و بازنویسی و بازسازی جدی قرار گیرند .

به همچنین می‌توان انتظار داشت «متن‌های مقدس» ادیان ابراهیمی (و حتی آسیایی) نیز- که نقطه اتکای ادبیات متنی الاهیات فرهنگی هم هستند- از این حیث با خوانش «الاهیات فرهنگی صلح‌گرا» تعبیر و تفسیر شوند. تنها در این صورت است که می‌توان امید اجتماعی به صلح‌گرایی - سازی دینی داشت. امیدی که تحقق آن، مشروط به تحقق این معیارها، ممکن و محتمل است.



منابع

فارسی

- ۱- اسپوزیتو، جان و وال، جان (۱۳۹۱) جنبش‌های اسلامی معاصر، شجاع احمدوند، تهران، نی.
- ۲- اشمیت، کارل (۱۳۹۰) الاهیات سیاسی ۱، لایلا چمن‌خواه، تهران، نشر نگاه معاصر.
- ۳- اشمیت، کارل (۱۳۹۲) الاهیات سیاسی ۲، لایلا چمن‌خواه، تهران، نشر نگاه معاصر.
- ۴- اندیشمندان و پژوهشگران کشورهای اسلامی (۱۳۹۲) فقه و قانون: ایده‌ها، پیشنهادات و راه‌های روشی، قم، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی.
- ۵- حلاق، وائلبن (۱۳۸۸) تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی، محمد راسخ، تهران، نشر نی.
- ۶- دیویس، چارلز (۱۳۸۷) دین و ساختن جامعه: جستارهایی در الاهیات اجتماعی، حسن محدثی و حسین باب‌الحوایجی، تهران، موسسه مطالعات بنیادین پویه، یادآوران.
- ۷- ساخت، یوزف (۱۳۸۸) دیباچه‌ای بر فقه اسلامی، اسدا... توری، تهران، هرمس.
- ۸- عبدالرازق، علی (۱۳۸۰) اسلام و مبانی قدرت، امیر رضایی، تهران، قصیده‌سرا.
- ۹- عشماوی، محمد سعید (۱۳۹۷) اسلام‌گرایی یا اسلام؟ امیر رضایی، تهران، قصیده‌سرا.
- ۱۰- عمید، حسن (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات فرهنگ نما.



- ۱۱- عنایت، حمید (۱۳۸۹) اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.
- ۱۲- فیرحی، داوود (۱۳۹۲) فقه و سیاست در ایرنا معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، تهران، نشر نی.
- ۱۳- فیلائی انصاری، ع (۱۳۹۱) اسلام و لایسته، امیر رضایی، تهران، قصیده سرا.
- ۱۴- کارل اشمیت (۱۳۹۳) الاهیات سیاسی: چهار فصل در باب حاکمیت، طاهر خدیو، تهران، رخ داد نو.
- ۱۵- کدیور، محسن (۱۳۷۸) نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران، نشر نی.
- ۱۶- کدیور، محسن (۱۳۹۳) حکومت ولایی، تهران، نشر نی.
- ۱۷- کرون، پاتریشیا (۱۳۹۴) تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، مسعود جعفری، تهران، سخن.
- ۱۸- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۲) تاریخ فقه و فقها، تهران، سمت.
- ۱۹- مارتین، دیوید و همکاران (۱۳۹۴) جامعه شناسی و الاهیات، علی مرشدی زاد، تهران، ترجمان علوم انسانی.
- ۲۰- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) کلیات علوم اسلامی: کلام- عرفان- حکمت عملی، تهران، انتشارات صدرا .
- ۲۱- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) کلیات علوم اسلامی: اصول فقه و فقه، تهران، صدرا.
- ۲۲- المنجد فی اللغة العرب، ۱۹۳۰.
- ۲۳- مونتمگریوات، ویلیام (۱۳۸۹) فلسفه و کلام اسلامی، ابوالفضل عزتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۲۴- میلبانک، جان (۱۳۹۶) الاهیات و نظریه اجتماعی



: فراسوی عقل سکولار ، شهناز مسمی پرست و شهرزاد قانونی، ویراسته ایرج قانونی ، تهران، ترجمان علوم انسانی.

۲۵- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹) ظرفیت‌های متون دینی برای سیاست صلح‌گرایی و حل گفتگویی منازعه: مروری فشرده بر متون ادیان ابراهیمی و آسیایی، کد مقاله ICPCR-۱۳۲۶، دومین کنفرانس بین‌المللی ”صلح و حل منازعه“ دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، اذر ۱۳۹۹؛ در: کتاب ”چکیده مقالات دومین همایش بین‌المللی صلح و حل منازعه“، ص ۸۱؛ <https://icpcr.ut.ac.ir/?lang=fa>؛ قابل دسترسی در وبگاه همایش به آدرس اینترنتی : <https://icpcr.ut.ac.ir/?lang=fa>.

۲۶- نجاتی حسینی ، سید محمود (پاییز و زمستان ۱۳۸۷) جهانی شدن، امپریالیسم فرهنگی و اسلام سیاسی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه (مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه) شماره ۳ و ۴ (۵۴ و ۵۵) صص ۶۵-۹۴ .

۲۷- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۱) نسبت اجتماعی حق- وظیفه در گفتمان دینی : تحلیل محتوای موردی نهج البلاغه و نهج الفصاحه، دوفصلنامه علمی تخصصی اسلام و علوم اجتماعی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، سال ۴، شماره ۷، صص ۴۳-۸۰.

۲۸- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۳) فقه شیعی از منظر تاریخ اجتماعی فرهنگی : یادداشت‌های برای پژوهش آتی، مطالعات اجتماعی دین [نشریه علمی تخصصی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران- بخش جامعه‌شناسی دین] شماره ۳، صص ۹-۱۸ .

۲۹- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸) الاهیات رادیکال: الاهیات سیاسی افراط‌گرایان اسلامی ، مقاله ارائه شده به « همایش بین المللی گفتگوی نخبگان جهان اسلام » با موضوع : «بررسی چالشها، زمینه ها و همکاری‌های مشترک ایران- سوریه - لبنان- عراق» [اردیبهشت ۱۳۹۸- تهران: پژوهشکده بین‌المللی عصر و دانشکده علوم



اجتماعی دانشگاه تهران].

۳۰- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸) الاهیات و فکر سیاسی در ایران: کلام- فقه شیعی به مثابه شبه الاهیات سیاسی، مقاله ارائه شده به «دهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران: ”وضعیت فکر سیاسی در ایران معاصر“ - دیماه ۱۳۹۵».

۳۱- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸) درس گفتار: «دین و صلح / ناصح» انجمن جامعه‌شناسی ایران- مرکز آموزش‌های تخصصی و جامعه‌محور [۲ اسفندماه ۱۳۹۸، ساعت ۹ - ۱۱ / ۱۲۰ دقیقه].

۳۲- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۴) خاستگاه‌های عقیدتی-دینی در نگرش-گرایش به مصالح جمعی (مطالعه موردی دعا، حدیث و حکمت شیعی)، در : بحرانی، مرتضی (ویراستار) (۱۳۹۴) فردگرایی و جمع‌گرایی در آموزه‌های اسلامی : مجموعه مقالات، صص ۳۵۵-۳۹۶ .

انگلیسی

1- Aid Smaji (2008) Psychology of Religion and Intercultural Dialogue and Tolerance, Objavljeni znanstveni prispevek Na konferenci (1.06) BV 68 (2008) 3,423-435UDK, 165.612:316.647.5.

2- and Ethics are Two Sides of One rofession of Faith, The Conrad Grebel Re- view 34, no. 1: 5-27.

3- Arundhati Roy(2004) Peace & The NewCorporate Liberation Theology, City of Sydney Peace Prize Lecture CPACS Occasional Paper No. 04/2 , Centre for Peace& Conflict Studies.

Yubi, N.N (2005) political Islam, Routledge.



Byrne, p and Holden, l (Eds) (2003) companion encyclopedia of theology, Routledge.

6- Christopher D. Marshall(2009)Religious Violence, Terrorism and the Christian Theology of Reconciliation, Victoria University of Wellington, Anglican Pacifist Conference, St John's theological College, October 10, 2009

7- E. Tory Higgins, E. Tory Higgins, and Carol S. Dweck (2005) Religion and World Change: Violence and Terrorism versus Peace, Journal of Social Issues, Vol. 61, No. 4, pp. 761—784.

8- ESTHER LUBUNGA KENGE(2015) Towards a Theology of Peace-building in the Democratic Republic of Congo (DRC), the Contribution of Christian Women ,UNIVERSITYOFKWAZULU-NATALPIETERMARIITZBURG.

9- Gerard Hall SM (May 2007)Prophetic Dialogue as a Practical Theological Category, Australian eJournal of Theology 10, 1.

10- Godwin Oriyomi(2014)The Theology of Peace and War in Old Testament and Its Relevance to Solving the Dilemma of Insecurity in Nigeria, Adeboye, Biblical, Why so much war in the Old Testament? (www.biblica.com/en-us/bible/.com Accessed: July, 2014.

11- Grill, Robin (Ed) (1996) the Theologyand Sociology: A Reader, Cassel.

12- Hans Küng (2005) Religion, violence and “holy wars”, international review of the red cross,vol87,no858,june. Volume 87 Number 858 June 2005Volume 878 June 2005

13- Ismail, S. (1999) rethinking Islamist politics, I.B.TAURIS.



14- J. Denny Weaver(Winter 2016) A Jesus-Centered Peace Theology, or, Why and How Theology

15- Jane McGrory (2008)Faithful peace, peaceful faith: The role of women of faith in building peace, Progressio, www.progressio.org.uk.

16- John R. Hall (2001) Religion and Violence: Social Processes in Comparative Perspective, Chapter prepared for the Handbook for the Sociology of Religion, Michele Dillon, editor (forthcoming, Cambridge University Press) jrhall@ucdavis.edu.

17- Kimberly Carter (2008)Preaching Praxis, Producing Peace: The Role of Liberation Theology in Peace building, Canadian Political Science Association.

18- Kristian Berg Harpviken and Hanne Eggen Røislien(2005)Mapping the Terrain :The Role of Religion in Peace making State of the Art, PaperFor the Norwegian Ministry of Foreign Affairs July 2005.

19- Linjakumpa, A (2008) political Islam in global world, ITHACA press.

20- Mary Elizabeth Moore (2010) TEACHING RELIGION, CONFLICT, AND PEACE-BUILDINGINAMULTI-FAITHWORLD:ANINTERRELIGIOUSCONSULTATION ONTHEOLOGICALEDCATION, Boston University School of Theology.

21- Matthias Basedau & Johannes Vüllers (2010)Religion and Armed Conflict in Sub-Saharan Africa, 1990to 2008 – Results from a New Database, Paper prepared for presentation at the SGIR 7th Pan-European Conference on IR, Stockholm, 9-11 September 2010.

22- MOHAMMEDABU-NIMER(2001)ConflictResolution,Culture,andReligion



:Toward a Training Model of Interreligious Peace building, International Peace and Conflict Resolution Program, American University© 2001 Journal of Peace Research ,vol. 38, no. 6, 2001, pp. 685–704,Sage Publications (London, Thousand Oaks, CA and New Delhi)[0022-3433(200111)38:6; 685–704; 019467].

23- OXFORD DICTIONARY ADVANCED, 1995.

24-RICHARD B.MILLER(1986)CHRISTIAN PACIFISM AND JUST-WAR TENS-ETS:HOW DO THEY DIVERGE?Theological Studies47 ..

25- SCOTT. Q & CAVANAUGH, W.T (Eds) (2015) the Blackwell companion to political theology,Blackwell.

26- Theresa Der-lan Yeh (2006) THE WAY TO PEACE: A BUDDHIST PERSPECTIVE ,International Journal of Peace Studies, Volume 11, Number 1, Spring/Summer 2006.

27- Ward, g(Ed) (2005) the Blackwell companion to postmodern theology, Blackwell publishing.

28- Yvonne Margareta Wang (2011) How Can Religion Contribute to Peace in the Holy Land? A Study of Religious Peacework in Jerusalem , University of Oslo.